

رابطه بین ویژگی های مدیرعامل، نگهداری وجوه نقد و تلاش حسابرس

مهدی سیاهوشی

کارشناسی حسابداری، واحد رودبار، دانشگاه آزاد اسلامی، رودبار، ایران.
Siahvoshimehdi10@gmail.com

چکیده

یکی از مهمترین فاکتورهای تاثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی برای جبران ریسک و تلاش حسابرس، مساله نمایندگی برای نگهداشت وجه نقد است. شرکت هایی که سطح نگهداشت نقدینگی آنها بالا است، و چشم انداز رشد بالایی دارند، توانایی رشد خود را در داخل شرکت سرمایه گذاری می کنند، که باعث می شود که بازارهای سرمایه علاقه چندانی به سرمایه گذاری در چنین شرکت هایی نداشته باشند. علاوه بر آن، در شرکتهایی که سطح نگهداشت نقدینگی آنها بالا است و چشم انداز رشد خوبی دارند، نیاز به تلاش بیشتری از جانب حسابرسان احساس می شود. بنابراین هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ویژگی های مدیرعامل، نگهداری وجوه نقد و تلاش حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ طرح پژوهش از نوع نیمه تجربی می باشد چراکه در روش تحقیق نیمه تجربی (غیرآزمایشی) محقق روابط بین متغیرهایی که خود آنها را دستکاری نکرده است، و بگونه ای در گذشته اتفاق افتاده اند مورد بررسی و مطالعه و تاثیر آنها را بر متغیرهای مورد نظر مورد مشاهده قرار می دهد و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی به شمار می رود. در مسیر انجام این پژوهش، سه فرضیه تدوین و ۱۳۲ شرکت (۶۶۰ سال شرکت) از طریق نمونه گیری به روش حذف سیستماتیک برای دوره زمانی ۵ ساله بین ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ انتخاب شد. الگوی رگرسیونی پژوهش با استفاده از روش داده های تلفیقی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. همچنین روش رگرسیونی چند متغیره تدوین شده استنتاجی بدست آمده از تحقیق نشان داد بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بین تجربه مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معنی داری یافت شد. علاوه بر این بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معنی داری وجود داشت.

واژگان کلیدی: نگهداشت وجه نقد، تجربه مدیریت، توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی.

مقدمه

گسترش فزاینده و پیچیدگی فعالیت های اقتصادی از یک سو و نیز لزوم فراهم آوردن اطلاعات دقیق و سریع از طریق سیستم های حوزه مالی از سوی دیگر، منجر به تدوین روش ها و راه حل های نوین حسابداری در چند دهه اخیر شده است. در این راستا با توجه به اهمیت موضوعاتی نظیر کنترل نقدینگی و مدیریت وجوه نقد، ضروری است مطالعات لازم درباره سطح نگهداشت وجوه نقد در شرکت های گوناگون و با ویژگی های مختلف صورت گیرد تا با آگاهی از تمامی جوانب و آگاهی از آثار تصمیم گیری های مدیریت، نتیجه گیری منطقی درباره سطح بهینه نگهداشت وجوه نقد، انجام شود.

بنابراین توانایی مدیریتی سازمان ها نقش با اهمیتی در میزان نگهداری وجوه نقد و نحوه مصرف آن دارد. تصمیم های مدیریت است که بیان می دارد شرکت چه میزان از وجوه نقد را برای مصارف مشخص و استفاده از سرمایه گذاری های

مناسب احتمالی باید حفظ نماید. چراکه فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادتر، برای انباشت بیشتر وجه نقد تقاضا ایجاد می‌کند، کمبود وجه نقد منجر به این خواهد شد که شرکت فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور خود را از دست بدهد، مگر اینکه به تأمین مالی پرهزینه خارجی دست یابد. بنابراین، رابطه ای مثبت بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری و نگهداری وجه نقد انتظار می‌رود (رئیسان و همکاران، ۱۳۸۹).

توانایی مدیریت یکی از جنبه‌های مهم و قابل تامل در حسابداری و مالی است. این مطالعه نشان می‌دهد خصوصیت‌های فردی مدیر بر ارزش وجه نقد تاثیر می‌گذارد که با نظریه مدیریت عالی همبریک و میسون^۱ (۱۹۸۴) سازگار است. با استفاده از معیار دقیق‌تر و مستقیمی رابطه بین توانایی مدیریت و ارزش وجه نقد سنجیده می‌شود. با نمادهای مختلف برای توانایی مدیر، تحقیقات قبلی نشان داده اند که مدیران بهتر با عملکرد بهتر شرکت (چانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۰)، پیش بینی مداوم مدیریت (بیک و همکاران^۳، ۲۰۱۱) و کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری (فرانسیس و همکاران^۴، ۲۰۰۸؛ دیمیرجیان و همکاران^۵، ۲۰۱۳) همراه هستند. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند به این سلسله از ادبیات اضافه شود که با نشان دادن استعداد مدیریت به طور مثبت بر ارزش وجه نقد اثر داشته باشد که دلایلی برای درک بهتر نقش عوامل فردی مدیر (به عنوان مثال، توانایی مدیریتی) در افزایش ارزش سرمایه داخلی دارد. وجه نقد به طور عمده بر عوامل در سطح شرکت متمرکز است، مانند فرصت‌های رشد، گزینه‌های سرمایه‌گذاری و محیط سرمایه‌های خارجی (جنسن^۶، ۱۹۸۶؛ فازاری و همکاران^۷، ۱۹۸۸؛ مایرز و مجلوف^۸، ۱۹۸۴؛ فالکندر و وانگ^۹، ۲۰۰۶؛ ریچاردسون^{۱۰}، ۲۰۰۶). به عنوان کنترل کننده وجه نقد شرکت، استفاده از مدیر از وجه نقد در دسترس، به طور مستقیم بر ارزش شرکت اثر می‌گذارد. این تحقیق دیدگاه جدیدی برای نشان دادن اینکه وجه نقد اگر توسط مدیر تواناتر، مدیریت شود ارزش بیشتری ایجاد می‌کند، بدین ترتیب استدلال بر این است که سهامداران هنگامی که وجه نقد را ارزیابی می‌کنند، توانایی مدیر را در نظر می‌گیرند. به طور کلی، ارزیابی فرصت‌ها و مخاطرات فعالیت‌های تجاری و وظیفه مباشرت مدیریت، مستلزم درک ماهیت فعالیت‌های تجاری از جمله نحوه ایجاد و مصرف وجوه نقد توسط واحد تجاری است. در واقع، اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدینگی می‌تواند در قضاوت نسبت به مبلغ، زمان و میزان اطمینان از تحقق جریان‌های نقدینگی به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی کمک کند. اطلاعات مزبور بیان‌گر چگونگی ارتباط بین سودآوری واحد تجاری و توان آن جهت ایجاد وجه نقد است. در این راستا، با توجه به این که بسیاری از سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری درباره شرکت‌ها به نسبت‌هایی مانند نسبت‌های نقدینگی شرکت‌ها توجه زیادی می‌کنند، ضروری است این موضوع بررسی شود که آیا میزان وجه نقد نگهداری شده توسط شرکت‌ها و به عبارتی سیاست اتخاذ شده شرکت درباره میزان نگهداری وجه نقد، به افزایش ارزش شرکت کمک می‌کند یا خیر. همچنین قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، یکی از عناوین جذاب برای بسیاری از محققان حسابرسی می‌باشد. اگرچه روش تحقیق استفاده شده در این تحقیق کمی متفاوت است، اما بسیاری از تحقیقات به دنبال یک هدف هستند و آن شناسایی فاکتورهای موثر در حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. آشنایی با فاکتورها می‌تواند فواید متعددی برای کارکنان و حسابرس داشته باشد. حق الزحمه حسابرسی از نظر بسیاری از شرکت‌ها و کارکنان آنها بسیار گزاف است. اگرچه شاید شرکت‌های بزرگ که نقدینگی زیادی دارند و یا حجم فروش آنها بالا

¹ Hembrik & Mison

² Chang;et.al

³ Bik;et.al

⁴ Fransis;et.al

⁵ Dimirjain;et.al

⁶ Jensen

⁷ Fazari;et.al

⁸ Mayerz & Majlounf

⁹ Falenkder & Vang

¹⁰ Richardsoun

است، بتوانند به آسانی این حق الزحمه حسابرسی را پرداخت کنند، اما برای برخی از شرکت‌های دولتی پرداخت این مبالغ بسیار سخت است، و برای بسیاری از شرکت‌های تجاری یا شرکت‌هایی که وضعیت مالی ضعیف‌تری دارند، پرداخت این مبالغ حسابرسی بسیار سخت است. بنابراین، از دیدگاه کارکنان، با شناسایی فاکتورهای موثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی، چه از طریق مذاکره و چه از طریق معامله و یا با کنترل این فاکتورها در سازمان، می‌توان این هزینه‌ها را کاهش داده و قابل پرداخت کرد. حسابرسان با آگاهی از این فاکتورها می‌توانند خدمات خود را بسیار مناسب‌تر قیمت‌گذاری کنند (گیست^۱، ۱۹۹۲). اهمیت این مساله به ویژه در سال‌های اخیر و پس از تاسیس کمیته حسابرسان رسمی ایران، روز به روز در حال افزایش است. پس از تشکیل این کمیته، انحصار بازار کار شکسته شد و رقابت شدیدی در بین حسابرسان ایجاد شد، رویدادی که مدت‌ها پیش در کشورهای توسعه یافته روی داده بود. حسابرسی یک حسابرس با صلاحیت و حرفه‌ای نامیده می‌شود که بتواند بهترین برآورد را از حق الزحمه خود در رابطه با ویژگی‌های واحد تحت تحلیل داشته باشد.

آگاهی حسابرس از این ویژگی‌ها باعث خواهد شد که وی بتواند کیفیت پروژه را حفظ کرده و آن را با کمترین هزینه اجرایی کند (وایسچی^۲، ۲۰۱۰). نقدینگی، یکی از مهمترین تشکیل‌دهنده‌های دارایی جاری در هر شرکتی محسوب می‌شود که نقش مهمی در فرایندهای عملیاتی شرکت‌ها و واحدهای سودآور دارد. از این رو، یکی از مهمترین وظایف مدیران مالی، پیش‌بینی جریان‌های نقدینگی ورود و خروجی شرکت است. به عبارت دیگر، مدیریت نقدینگی، یکی از کارکردهای اصلی مدیریت مالی است، بدین معنی که، در یک طرح نبود نقدینگی می‌تواند مشکلاتی را در برآوردهای روزانه ایجاد کند، و از طرف دیگر، داشتن نقدینگی بالا در شرکت می‌تواند باعث ایجاد هزینه فرصت برای شرکت شود. با این وجود، به دلیل انعطاف‌پذیری در پاسخگویی به وضعیت‌های پیش‌بینی نشده و ضروریات روزانه، بسیاری از شرکت‌ها از داشتن نقدینگی بالا در شرکت و یا حفظ نقدینگی در سطح بالا، اکراه دارند (گارسیا-تیرویل و همکاران^۳، ۲۰۰۹).

تحقیقات انجام شده در مورد جریان‌های آزاد نقدینگی نشان داده است که در شرکت‌هایی که جریان نقدینگی بالایی دارند، حق الزحمه حسابرسی افزایش خواهد یافت که منجر به ایجاد هزینه‌های نمایندگی خواهد شد (گریفین و همکاران^۴، ۲۰۱۰). باید ذکر شود که اگرچه جریان نقدینگی آزاد و نگهداشت نقدینگی ویژگی‌های مشترکی دارند، اما تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین این دو وجود دارد. جریان نقدینگی آزاد، یک مقیاس سالانه و از سود سالانه تعدیل شده به دست می‌آید. در طرف دیگر، نگهداشت وجه نقد شاخص تراز نقدینگی تجمعی در ترازنامه است و می‌تواند بیش از جریان نقدینگی آزاد باشد. شرکت‌هایی که محدودیت‌های مالی دارند، سودآوری کمتری نسبت به بازارهای مالی به دست می‌آورند، لذا نگهداشت نقدینگی می‌تواند برای رفع نیازهای سرمایه‌گذاری حال و آینده سودمند باشد (چان و همکاران^۵، ۲۰۱۳).

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

موضوع راهبری شرکت‌ها مدت‌های زیادی است که مطرح شده اما توجه محققان در سه دهه اخیر را بیش از گذشته به خود جلب کرده است. به گفته اکپارا (۲۰۱۱)^۶ در اواخر دهه‌ی ۸۰ و اوایل دهه‌ی ۹۰ میلادی، موضوع حاکمیت شرکتی بصورت آکادمیک مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفت. باور ما بر این است که این تغییر به دو دلیل صورت گرفته

¹ Gist

² Waysuchi

³ Garcia-Tyrol et al

⁴ Griffin et al

⁵ Chan et al

⁶ Ekpara

است: اولاً، تغییر و تحول در شرکت‌ها به دلایلی همچون جهانی شدن، رقابت، فناوری جدید و نگرانی‌های محیطی و اجتماعی. ثانیاً، به دلیل رسوایی‌های بزرگ مالی در تعدادی از شرکت‌های بزرگ که این رسوایی را می‌توان در تضاد منافع ذاتی بین مدیران و مالکان جستجو کرد و با وجود این تضاد منافع، شرکت‌ها سعی کردند تا راهکارهایی را برای منظم نمودن فعالیت‌های کارکنان ارائه نماید. تمرکز بر روی کمیته حسابرسی به دلیل آن است که کمیته مزبور بطور فزاینده‌ای جزء جدایی ناپذیر ساختارهای کنترلی و خط مشی‌های راهبردی بوده و با فعالیت موثر خود راهبری شرکت‌ها را تقویت نموده و این امر منجر به این می‌گردد که کیفیت سود حسابداری افزایش یابد.

به دنبال رسوایی‌های مالی شرکت‌ها و بحرانهای مالی طی دو دهه اخیر، انگشت اتهام تا حدودی به سمت حسابرسان و کیفیت حسابرسی نشانه رفته است. در ایران نیز پس از کشف تقلب بانکی ۱۳۹۰، برخی کارشناسان ادعای شکست حسابرسی را مطرح کردند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۱). در پاسخ به این رویدادها، از یک طرف، قانون‌گذاران تغییراتی را در دستور کار قرار دادند. قانون ساربنز آکسلی^۱ (۲۰۰۲) در ایالات متحده وضع شد تا به بی‌نظمی‌های گزارشگری مالی سر و سامان دهد و تحولاتی در زمینه حاکمیت شرکتی انگلستان رخ داد. از طرف دیگر، سیاست‌گذاران بار دیگر بر روی اهمیت حسابرسی مؤثر و کارا به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بازارهای سرمایه کارا تاکید نمودند و تلاش‌هایی را برای شناسایی محرک‌های کلیدی کیفیت حسابرسی انجام دادند. برای نمونه، در سال ۲۰۰۷، کمیته مشورتی حرفه حسابرسی^۲ در ایالات متحده به منظور مشورت دهی به اداره خزانه‌داری این کشور در خصوص حرفه حسابرسی تأسیس شد. شورای گزارشگری مالی^۳ انگلستان در سال ۲۰۰۸ گزارشی را با عنوان چارچوب کیفیت حسابرسی منتشر کرد. خزانه‌داری استرالیا گزارش کیفیت حسابرسی در استرالیا- یک مرور راهبردی را در سال ۲۰۱۰ منتشر نمود. این تحولات حکایت از نارضایتی از اثربخشی حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابرسی و نقش حسابرسان و حسابرسی دارد (گورگ و همکاران،^۴ ۲۰۱۱).

یکی از مهمترین فاکتورهای تاثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی برای جبران ریسک و تلاش حسابرس، مساله نمایندگی برای نگهداشت وجه نقد است. شرکت‌هایی که سطح نگهداشت نقدینگی آنها بالا است، و چشم انداز رشد بالایی دارند، توانایی رشد خود را در داخل شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند، که باعث می‌شود که بازارهای سرمایه علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در چنین شرکت‌هایی نداشته باشند. علاوه بر آن، در شرکت‌هایی که سطح نگهداشت نقدینگی آنها بالا است و چشم‌انداز رشد خوبی دارند، نیاز به تلاش بیشتری از جانب حسابرسان احساس می‌شود (بارکلای و اسمیت^۵، ۱۹۹۵). در شرکت‌هایی که رشد زیادی دارند و سطح بدهی کمتری دارند، حسابرسان فعالیت‌های بیشتری را برای جلوگیری از مسائل ناشی از نبود سرمایه‌گذاری و برخی از کمبودهای مربوط به بدهی دارند. زمانی که مسائل نمایندگی در شرکت‌های بزرگ افزایش می‌یابد و وظیفه حسابرسان و نظارت‌کنندگان بر اطمینان‌دهی تحت صورت‌های مالی قرار می‌گیرد، حسابرسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. شرکت‌هایی که نگهداشت نقدینگی کمتری دارند، حق الزحمه حسابرسی بیشتری دارند.

شرکت‌هایی که نگهداشت نقدینگی بیشتری دارند، نیز حق الزحمه حسابرسی بیشتری دارند، اما این رابطه می‌تواند تحت تاثیر دستکاری در صورت‌های مالی باشد. علاوه بر آن، می‌توان حدس زد که این رفتارها نشان دهنده نبود شفافیت در سرمایه‌گذاری مدیران در پروژه‌هایی با ارزش جاری و خالص مثبت باشد که منجر به پیچیده‌تر شدن اندازه‌گیری رشد این پروژه‌های مثبت می‌شود. در واقع، مدیران شرکت‌هایی که نقدینگی زیادی دارند، ممکن است منابع شرکت را به درستی

¹ Sarbanes -Oxley(SOX) Act

² Advisory Committee on the Auditing Profession

³ Financial Reporting Council(FRC)

⁴ George ,et.al

⁵ Barclays and Smith

مصرف نکرده و در پروژه‌های غیرقابل توجیه مصرف کنند و در صورت‌های مالی دستکاری کنند تا بتوانند کاهش ارزش شرکت را توجیه کنند (چانگ و همکاران^۱، ۲۰۰۸). بنابراین، حسابرسان با تلاش و پشتکار بیشتری کار می‌کنند و این حق الزحمه آنها را می‌تواند افزایش دهد. الرساس^۲ (۲۰۱۵)، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حسابرسی داخلی و حق الزحمه حسابرسی مستقل با کیفیت سود بالاتر مرتبط است. با این وجود، اندازه بزرگ کمیته حسابرسی، تعداد جلسات زیاد کمیته حسابرسی، داشتن شریک ارشد یا سابق کمیته حسابرسی به عنوان رئیس کمیته حسابرسی و تمرکز مالکیت با کیفیت سود پایین‌تری ارتباط دارند. فرجی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و نقدینگی سهام با نقش کیفیت حسابرسی پرداختند. براساس نتایج آنها بیش اعتمادی مدیران با نگهداشت وجه نقد رابطه منفی وجود دارد و مدیران بیش اعتماد تمایل زیادی به نگهداری وجه نقد ندارند. علاوه بر این، برخلاف مبانی نظری کیفیت حسابرسی رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و نگهداشت وجه نقد را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. این امر می‌تواند ناشی از نامطلوب بودن معیارهای کیفیت حسابرسی باشد. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین حق الزحمه حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه تحقیق، از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان نامه‌ها استفاده می‌شود. از آنجایی که اطلاعات مربوط به متغیرهای این پژوهش شامل بسیاری از اقسام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها می‌باشد، داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی موجود در سایت‌های مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار و شبکه کدال، سیستم‌های جامع اطلاع رسانی ناشران، مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران و لوح‌های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار به صورت دستی استخراج می‌شود. در این پژوهش پس از اجرای مرحله تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی و استخراج اطلاعات کافی از نمونه‌ها و محاسبه ارزش‌های هر یک از متغیرها، با استفاده از نرم افزارهای Excel (به منظور جمع‌آوری داده‌ها)، و نرم افزار Eviews به تجزیه تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات پرداخته می‌شود. جامعه آماری این تحقیق، کلیه شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ (دوره ۵ ساله) است. علت انتخاب شرکت‌ها از بازار سرمایه ایران (بورس اوراق بهادار تهران) آن است که امکان دسترسی آسان به داده‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نسبت به سایر شرکت‌های فعال در سطح کشور وجود دارد و همچنین با توجه به نظارت مستمر حسابرسان و بازرسان، این اطلاعات قابلیت اتکاء، اعتبار و شفافیت بالایی را در مقایسه با اطلاعات سایر شرکت‌ها دارا است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری شرکت‌های تولیدی در بورس اوراق بهادار تهران و در نظر گرفتن شرایط اعمال شده، جامعه در دسترس به طور کامل به عنوان نمونه آماری به منظور رسیدن به بیشترین مشاهدات جهت تجزیه و تحلیل آماری، انتخاب می‌گردد.

۱- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.

۲- در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) تغییر سال مالی نداشته باشد.

۳- اطلاعات مالی آن قابل دسترس باشد.

¹ Chang et al

² Al-Rassas

۴- جزء شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها، موسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.

۵- اطلاعات مورد نیاز در بخش تعریف متغیرها در دسترس باشد.

در نتیجه اعمال شرایط و ملاحظات در نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک ۱۳۲ شرکت از جامعه آماری جهت انجام آزمونها انتخاب شدند. دوره تحقیق ۵ سال متوالی می‌باشد بنابراین حجم نهایی نمونه ۶۶۰ سال - شرکت می‌باشد.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه‌ی حسابرس (Audit Fee): برای اندازه‌گیری آن از لگاریتم طبیعی هزینه‌ی حسابرسی استفاده شده است (نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹؛ رجبی و محمدی خسوئی، ۱۳۸۷؛ فرگوسن و تیلور^۱، ۲۰۰۷ و گرین و همکاران^۲، ۲۰۰۹).

متغیرهای مستقل

نگهداشت وجه نقد (CASH it): نسبت وجه نقد می‌باشد؛ که توسط وجه نقد و معادل وجه نقد نسبت به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

ویژگی‌های مدیرعامل

برای اندازه‌گیری ویژگی‌های مدیرعامل از معیار تخصص مدیریت و توانایی مدیرعامل استفاده می‌شود که نحوه سنجش هر کدام به شرح زیر می‌باشد:

تخصص مدیریت (FINANCE): متغیری دو وجهی می‌باشد که اگر اعضای هیئت مدیره دارای مدرک تحصیلی مالی حسابداری و اقتصاد باشند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر داده می‌شود (درمدی، ۲۰۱۳).

توانایی مدیریت (Ability): بر اساس الگوی دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) محاسبه می‌گردد. در این روش در مرحله نخست کارایی شرکت‌ها بوسیله روش تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه می‌گردد. تحلیل پوششی داده‌ها: یک تکنیک ریاضی مبتنی بر برنامه‌ریزی خطی است که می‌تواند با استفاده از یک مجموعه چندتایی از متغیرهای ورودی و خروجی، کارایی یک گروه از واحدهای مورد بررسی را تعیین کند.

$$\text{کارایی} = \frac{\text{مجموع وزندار خروجی‌ها}}{\text{مجموع وزندار ورودی‌ها}}$$

بر اساس دستورالعمل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای محاسبه کارایی، امتیاز کارایی شرکت^۳ به عنوان معیار کارایی، با استفاده از فروش شرکت (داده خروجی در مدل)، و بهای تمام شده‌ی کالای فروش رفته؛ دارایی‌های نامشهود؛ هزینه‌های تحقیق و توسعه؛ هزینه‌های فروش و اداری، خالص دارایی‌های ثابت (داده ورودی مدل)، به وسیله نرم افزار تحلیل پوششی داده‌ها^۴ (DEA) برای هر شرکت محاسبه می‌گردد. کارایی کل منابع شرکت (Total Efficiency) از رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\max_v \theta = \frac{\text{Sales}}{v_1 \text{CoGS} + v_1 \text{SG\&A} + v_1 \text{PPE} + v_1 \text{OtherLnta}}$$

¹ . Ferguson and Taylor

² . Griffin et al

³ Firm Efficiency

⁴ Data Envelopment Analysis (DEA)

که در آن:

Cost of Goods Sold (CoGS): بهای تمام شده ی کالای فروش رفته.

Other Intangible Assets (OtherIntan): دارایی های نامشهود.

Selling and Administrative Expenses (SG&A): هزینه های فروش و اداری.

Net PP&E (PPE): خالص دارایی های ثابت.

عدد یک مربوط به شرکت‌هایی با کارایی قوی و اعداد کمتر از یک (تا صفر) مربوط به شرکت‌هایی با درجه کارایی ضعیف است.

در مرحله بعد بر اساس روش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) رابطه رگرسیونی زیر به کمک رگرسیون لجستیک در نرم افزار آماری stata برازش داده می شود. در این مدل رگرسیونی ویژگی هایی از شرکت ها همچون کل دارایی های شرکت، سهم بازار شرکت، جریان های نقدی آزاد، سن شرکت، نسبت فروش شرکت های فرعی (وابسته) به فروش کل شرکت، لحاظ نمودن نرخ تسعیر ارز در صورت سود و زیان جامع و متغیری مجازی جهت کنترل سال در شرکت در مقابل کارایی شرکت بررسی می شوند. بر اساس تحلیل رگرسیون حاصل باقی مانده حاصل از این معادله رگرسیونی همان کارایی (توانایی) مدیریت است که به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق هدف گذاری شده است.

$$\text{Firm Efficiency}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Ln (Total Assets)}_{it} + \beta_2 \text{Market Share}_{it} + \beta_3 \text{OCF Indicator}_{it} + \beta_4 \text{Ln (Age)}_{it} + \beta_5 \text{Business Segment Concentration}_{it} + \beta_6 \text{Foreign Currency Indicator}_{it} + \beta_7 \text{Year}_{it} + \varepsilon_{it}$$

Ln (Total Assets): لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت i در سال t.

Market Share: سهم بازار، به صورت نسبت فروش شرکت i در سال t به فروش صنعت در سال t.

OCF Indicator: در این تحقیق شاخص جریان وجوه نقدی عملیاتی برای شرکت i در سال t از صورت جریان وجوه نقد استخراج و مورد استفاده قرار می گیرد. جریان وجوه نقدی عملیاتی عبارت است از جریان نقد ورودی و خروجی ناشی از فعالیت های اصلی و مستمر مولد درآمد عملیاتی واحد تجاری و نیز آن دسته از جریان های نقدی که ماهیتاً به طور مستقیم قابل ارتباط با سایر طبقه های جریان های نقدی صورت جریان وجوه نقد نمی باشند.

Ln (Age): لگاریتم طبیعی سن شرکت i در سال t.

Business Segment Concentration: نسبت فروش شرکت های فرعی (وابسته) به فروش کل شرکت i در سال t. اگر شرکتی، واحد وابسته نداشت مقدار آن در معادله یک فرض می شود.

Foreign Currency Indicator: اگر شرکت i در سال t در صورت سود و زیان جامع، نرخ تسعیر ارز را لحاظ نموده باشد مقدار آن یک در غیر این صورت مقدار آن صفر فرض می شود.

Year: متغیری مجازی جهت کنترل سال در شرکت i در سال t.

ε_{it} : عبارت است از باقی مانده مدل فوق که بر اساس تعریف دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) همان میزان توانایی مدیریت شرکت i در سال t می باشد.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترل به عواملی اطلاق می شود که تأثیر آنها بر متغیر وابسته توسط پژوهشگر خنثی یا حذف می شود به طور کلی متغیر های کنترلی اثر بعضی ویژگی های شرکت را بر متغیر وابسته کنترل می کند. دلیل استفاده از متغیرهای کنترل در این پژوهش، تأثیر عوامل شناخته شده و ناشناخته در ارتباط بین متغیرهای وابسته و مستقل اصلی است. به تبعیت از تحقیق میترا و همکاران^۱ (۲۰۱۷) متغیرهای کنترلی به شرح زیر می باشد

¹ Mitra et al

ROA_{it} : بیانگر بازده دارایی‌ها؛ یعنی نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها. بازده دارایی‌ها یک شاخص از چگونگی سودآوری شرکت، وابسته به کل دارایی‌های آن شرکت می‌باشد. عملکرد شرکت با حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری دارد. عملکرد بهتر شرکت با اظهارنظر حسابرسی نیز رابطه دارد. به این صورت که حسابرسی که دارای کیفیت بالا هستند حق الزحمه بیشتری طلب می‌نمایند. در این پژوهش نیز بازده دارایی‌ها به عنوان معیاری برای اندازه گیری عملکرد شرکت به کار برده شده است.

CFO_{it} : بیانگر جریان وجه نقد عملیاتی بوده که برای کاهش پراکندگی بر کل دارایی‌ها تقسیم می‌شود. بین مازاد نگهداشت وجه نقد با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ارتباط معنی داری دارد. این موضوع می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که حسابرس مستقل با دریافت حق الزحمه ای بیش از حق الزحمه استاندارد سعی در افزایش تخصص صنعت خود و ادامه حسابرسی در دوره مالی بعد دارد (افزایش دوره تصدی در بازار حسابرسی) و با افزایش نگهداشت مازاد وجه نقد، در قبال دریافت حق الزحمه ای بیشتر، نظر خود را تعدیل نمی‌کند. حسابرس نسبت به ارزیابی نگهداشت مازاد وجه نقد کرده و در قبال دریافت حق الزحمه بیشتر از حق الزحمه متعارف، هم سود موسسه حسابرسی را افزایش داده، و هم نظر مدیریت مبنی بر نگهداری بیش از حد معمول وجه نقد را تأمین میکند.

$RETDEV_{it}$: بیانگر انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت است (مجموع بازده سهام چهار سال قبل تقسیم بر بازده سهام سال جاری).

$Growth_{it}$: بیانگر رشد فروش است که از نسبت فروش سال t به سال $t-1$ محاسبه می‌شود.

$SIZE_{it}$: شاخص اندازه شرکت (در این پژوهش برای سنجش اندازه شرکت، از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سرمایه شرکت i در پایان سال t استفاده خواهد شد). استدلال بر این است که در شرکتهای بزرگ با توجه به حجم معاملات و... حسابرسان حق الزحمه حسابرسی بیشتر طلب می‌کنند.

LEV_{it} : شاخص ریسک (اهرم مالی شرکت که برابر است با تقسیم بدهی‌های شرکت بر دارایی‌های پایان دوره شرکت i در سال t). بدهی در شرکت به عنوان عاملی ریسک آور برای شرکت محسوب می‌شود. لذا استدلال بر این است شرکتهایی که بدهی زیادی دارند حق الزحمه حسابرسی بیشتر تمایل دارند پرداخت کنند.

AGE_{it} : بیانگر عمر شرکت (از زمان پذیرش در بورس اوراق بهادار) است.

یافته‌های توصیفی

هنگامی که توده‌ای از اطلاعات کمی برای تحقیق گرد آوری می‌شود، ابتدا سازمان بندی و خلاصه کردن آنها به طریقی که به صورت معنی داری قابل درک و ارتباط باشند، ضروری است. روشهای آمار توصیفی (Descriptive Statistics) به همین منظور بکار برده می‌شوند. غالباً مفیدترین و در عین حال اولین قدم در سازمان داده‌ها مرتب کردن داده‌ها بر اساس یک ملاک منطقی است و سپس استخراج شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و در صورت لزوم محاسبه همبستگی میان دو دسته اطلاعات و استفاده از تحلیل‌های پیشرفته تر نظیر رگرسیون (Regression) و پیش بینی (Prediction) می‌باشد.

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۳۲ شرکت بورسی نمونه طی دوره زمانی ۵ ساله (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹) می‌باشد. نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها را می‌توان در قالب جدول ۱ خلاصه نمود:

جدول (۱): آمار توصیفی داده ها

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
بازده دارایی ها	۶۶۰	۰,۱۲۶	۰,۱۶۵	۰,۰۲۷	۰,۰۶۶	۶,۰۸۱	-۰,۷۸۹	۰,۸۰۹
جریان وجه نقد عملیاتی	۶۶۰	۰,۱۱۲	۰,۱۲۸	۰,۰۱۶	۰,۳۲۵	۵,۱۰۲	-۰,۴۶۰	۰,۶۴۲
انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت	۶۶۰	۰,۳۲۴	۰,۳۳۹	۰,۱۱۵	۲,۶۴۱	۱۴,۷۱۰	۰,۰۰۱	۳,۲۰۰
رشد فروش	۶۶۰	۰,۱۷۲	۰,۳۵۴	۰,۱۲۵	۱,۶۳۰	۱۰,۸۸۶	-۰,۸۷۹	۲,۷۳۲
اندازه شرکت	۶۶۰	۱۴,۵۴۷	۱,۵۵۷	۲,۴۲۴	۰,۸۴۸	۳,۷۲۷	۱۱,۰۷۸	۱۹,۳۷۴
ریسک (اهرم مالی)	۶۶۰	۰,۶۲۰	۰,۳۵۸	۰,۱۲۸	۴,۶۷۹	۳۹,۴۴۳	۰,۰۱۲	۴,۰۰۲
عمر شرکت	۶۶۰	۳۵,۵۸۳	۱۴,۳۳۷	۲۰۵,۵۶۹	-۰,۱۶۱	۱,۸۰۷	۴	۶۲
حق الزحمه ی حسابرس	۶۶۰	۳,۷۳۰	۳,۵۶۰	۱۲,۶۷۵	-۰,۰۴۱	۱,۱۱۲	۰	۱۱,۰۰۰
نگهداشت وجه نقد	۶۶۰	۰,۰۳۷	۰,۰۴۵	۰,۰۰۲	۳,۳۴۹	۲۱,۰۲۴	۰,۰۰۱	۰,۴۶۰
توانایی مدیریت	۶۶۰	۱,۷۲۵	۱,۷۵۹	۳,۰۹۴	۲,۲۶۷	۸,۳۵۳	۰,۱۷۸	۹,۹۱۰
تخصص مدیریت	۶۶۰	۰,۳۹۸	۰,۴۸۹	۰,۲۴۰	۰,۴۱۴	۱,۱۷۱	۰	۱

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای عمر شرکت برابر با (۳۵/۵۸۳) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. یا به عبارت دیگر اکثر شرکت‌های مورد بررسی سودآوری هستند و سودی معادل ۱۴ درصد از دارایی های خودشان را کسب نموده اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای لگاریتم ریسک (اهرم مالی) با ۳۹,۴۴۳ و برای حق الزحمه ی حسابرس برابر است با ۱,۱۱۲ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند.

در علم آمار چولگی یا Skewness معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می‌باشد. برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر و برای یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچکتر مقدار چولگی منفی است. در بین متغیرهای پژوهش در آمار توصیفی کلی، متغیر رشد فروش دارای کمترین مقدار چولگی است بنابراین نسبت به سایر متغیرها به توزیع نرمال نزدیکتر است. کشیدگی یا kurtosis نشان دهنده ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است. کشیدگی مثبت یعنی قله توزیع مورد نظر از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانه پایین تر بودن قله از توزیع نرمال است. متغیر لگاریتم نگهداشت وجه نقد دارای کمترین مقدار کشیدگی است بنابراین به لحاظ کشیدگی، در بین متغیرهای پژوهش، نگهداشت وجه نقد به توزیع نرمال نزدیکتر است.

توزیع نرمالیته

طبق نتایج آزمون شاپیرو ویلک متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردار نبودند. در برخی موارد مشاهده می‌شود که پژوهشگران برای نرمال کردن باقی مانده ها اقدام به تبدیل متغیرهای مستقل و وابسته (با استفاده از تبدیلات جانسون) به متغیرهای جدیدی با توزیع نرمال نموده اند. باید دقت داشت این کار منجر به تولید متغیرهایی می‌شود که الزاماً از رفتار متغیرهای اولیه تبعیت نمی‌کند و نتایج برآورد مدل رگرسیونی با این متغیرها غیر قابل اتکا است (افلاطونی، ۱۳۹۶).

جدول (۲): آزمون شاپیرو ویلک برای خطاهای باقی مانده مدل

شرح	تعداد مشاهدات	آماره آزمون	سطح معناداری
فرضیه اول	۶۶۰	۵,۴۹۵	۱,۰۰۰
فرضیه دوم	۶۶۰	۶,۶۱۳	۱,۰۰۰
فرضیه سوم	۶۶۰	۶,۵۰۱	۱,۰۰۰

مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون شاپیرو ویلک برای جملات اخلاص (خطاهای باقی مانده) بیشتر از ۵٪ می باشد و نشان می دهد جملات اخلاص از توزیع نرمال برخوردار می باشند.

آزمون اف لیمر

اولین گام در تخمین های پانل دیتا تعیین نمودن قیود وارد شده بر مدل اقتصادسنجی است. به عبارت دیگر ابتدا باید مشخص کنیم که رابطه رگرسیونی در نمونه مورد بررسی دارای عرض از مبداهای ناهمگن و شیب همگن است یا اینکه فرضیه عرض از مبداهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع (مدل داده‌های تلفیقی) پذیرفته می‌شود. بدین منظور آزمون F مورد استفاده قرار می گیرد. بر اساس این آزمون ابتدا مدل را به صورت نامقید و در حالت کلی با عرض از مبداهای مشترک و شیب های مشترک برآورد نموده و مقدار پسماندهای رگرسیون را محاسبه می کنیم، سپس مدل را به صورت مقید و با فرض عرض از مبداهای ناهمگن در بین مقاطع و شیب های مشترک تخمین می زنیم و مقادیر پسماند مقید را بدست می آوریم.

در صورتیکه مقدار F محاسبه شده از F جدول با درجات آزادی مشخص شده بزرگتر باشد فرضیه H_0 مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبداهای یکسان رد میشود و لذا اثرات گروه پذیرفته شده و میبایستی عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود در نتیجه می توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد ولی در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیبها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت ترکیب شدن داده ها و استفاده از مدل از داده های تلفیقی مورد تأیید آماری قرار می گیرد. در این آزمون با توجه به آماره F، برای تمامی مدل های مورد بررسی، روش داده های تابلویی مورد پذیرش قرار گرفته زیرا در مدل مورد نظر این احتمال صفر شده است.

فرض صفر: عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند (داده های تلفیقی).

فرض مقابل: عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیستند (داده های تابلویی).

جدول (۳): نتایج آزمون اف لیمر

فرضیه	Statistic	Prob	نتیجه
فرضیه اول	۹,۷۴	۰,۰۰۰	داده های تابلویی
فرضیه دوم	۹,۸۷	۰,۰۰۰	داده های تابلویی

طبق نتایج آزمون اف لیمر، سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو الگوی داده های تابلویی مورد پذیرش قرار می گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون فرضیه صفر بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگتر از مقادیر بحرانی اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچکتر از ۵ درصد باشد فرضیه صفر رد و فرضیه یک مبنی بر تایید مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. بعد از انجام آزمون اف لیمر (چاو) و انتخاب مدل اثرات ثابت مقطعی برای انتخاب روش آزمون داده‌ها از بین دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

بعد از این که مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت های فردی قابل لحاظ کردن است به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می شود. در آزمون هاسمن، فرضیه صفریه معنی این است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن ها از یکدیگر مستقل هستند در حالی که فرضیه مقابل به این معنی است که بین جزء اخلاص مورد نظر و متغیرهای توضیحی با مشکل تورش و ناسازگاری مواجه می شویم. بنابراین بهتر است در صورت پذیرفته شدن فرض H1 از روش اثرات ثابت استفاده کنیم. تحت فرضیه H0، اثرات ثابت و اثرات تصادفی هر دوسازگار هستند ولی روش اثرات ثابت ناکارا است.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	Prob	Statistic	فرضیه
اثرات تصادفی	۰,۱۳۸	۱۲,۲۹	فرضیه اول
اثرات تصادفی	۰,۲۲۶	۱۰,۵۸	فرضیه دوم

تخمین نهایی فرضیه اول

H0: بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H1: بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۵): تخمین نهایی فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد خطا	آماره	معناداری	VIF
نگهداشت وجه نقد	۲,۹۷۹	۲,۴۵۵	۱,۲۱	۰,۲۲۵	-۱,۸۳۲
بازده دارایی ها	-۰,۷۹۴	۰,۸۴۰	-۰,۹۵	۰,۳۴۵	-۲,۴۴۱
جریان وجه نقد عملیاتی	-۰,۱۹۶	۰,۸۲۲	-۰,۲۴	۰,۸۱۱	-۱,۸۰۸
انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت	-۰,۰۹۲	۰,۲۸۸	-۰,۳۲	۰,۷۴۸	-۰,۶۵۸
رشد فروش	۰,۱۷۰	۰,۲۰۰	۰,۸۵	۰,۳۹۶	-۰,۲۲۳
اندازه شرکت	-۰,۵۹۱	۰,۱۲۶	-۴,۶۶	۰,۰۰۰	-۰,۸۴۰
ریسک (اهرم مالی)	-۰,۵۱۸	۰,۴۱۸	-۱,۲۴	۰,۲۱۵	-۱,۳۳۸
عمر شرکت	-۰,۰۱۲	۰,۰۱۴	-۰,۸۶	۰,۳۹۲	-۰,۰۴۰
عرض از مبدأ	۱۳,۱۳۱	۱,۸۶۶	۷,۰۴	۰,۰۰۰	۹,۴۷۴
سایر آماره های اطلاعاتی					
ضریب تعیین			۲۶ درصد		
ضریب تعیین تعدیل شده			۲۷ درصد		
آماره والد و سطح معناداری آن			۲۹,۶۰ (۰,۰۰۰)		

طبق نتایج جدول ۵، مشاهده می شود که متغیر نگهداشت وجه نقد دارای ضریب مثبت و سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد است از این رو می توان گفت که بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معکوس و معنادار وجود دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می گیرد.

متغیرهای کنترلی بازده دارایی ها و جریان وجه نقد عملیاتی و انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت و رشد فروش و ریسک (اهرم مالی) و عمر شرکت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می باشد لذا با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط ندارند. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد لذا با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط دارند.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۲۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۲۷ درصد از تغییرات متغیروابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۲۹,۶۰ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

تخمین نهایی فرضیه دوم

H0: بین تجربه مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H1: بین تجربه مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۶): تخمین نهایی فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد خطا	آماره	معناداری	VIF
تجربه مدیریت	-۰,۰۲۶	۰,۰۳۵	-۰,۷۴	۰,۴۶۲	-۰,۰۹۶
بازده دارایی‌ها	-۰,۹۶۳	۰,۸۳۱	-۱,۱۶	۰,۲۴۶	-۲,۵۹۲
جریان وجه نقد عملیاتی	-۰,۰۶۹	۰,۷۶۷	-۰,۰۹	۰,۹۲۸	-۱,۵۷۴
انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت	-۰,۰۴۷	۰,۲۴۳	۰,۲۰	۰,۸۴۴	-۰,۴۲۹
رشد فروش	۰,۱۶۵	۰,۲۰۲	۰,۸۲	۰,۴۱۳	-۰,۲۳۱
اندازه شرکت	-۰,۶۱۰	۰,۱۱۹	-۵,۰۹	۰,۰۰۰	-۰,۸۴۴
ریسک (اهرم مالی)	-۰,۵۹۲	۰,۴۰۹	-۱,۴۵	۰,۱۴۸	-۱,۳۹۶
عمر شرکت	-۰,۰۱۱	۰,۰۱۴	-۰,۷۹	۰,۴۳۱	-۰,۰۳۹
عرض از مبدا	۱۳,۵۳۵	۱,۷۴۹	۷,۷۴	۰,۰۰۰	۱۰,۱۰۵
سایر آماره‌های اطلاعاتی					
ضریب تعیین			۲۸ درصد		
ضریب تعیین تعدیل شده			۲۹ درصد		
آماره والد و سطح معناداری آن			۳۳,۶۴ (۰,۰۰۰)		

طبق نتایج جدول ۶، مشاهده می‌شود که متغیر تجربه مدیریت دارای ضریب منفی و سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت که بین تجربه مدیریت و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معکوس و معنادار وجود دارد و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها و جریان وجه نقد عملیاتی و انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت و رشد فروش و ریسک (اهرم مالی) و عمر شرکت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشد لذا با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط ندارند. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد لذا با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط دارند. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۲۹ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۲۹ درصد از تغییرات متغیروابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۳,۶۴ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

تخمین نهایی فرضیه سوم

H0: بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H1: بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۷): تخمین نهایی فرضیه سوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد خطا	آماره	معناداری	VIF
توانایی مدیریت	-۰,۰۶۵	۰,۱۷۰	-۰,۳۹	۰,۶۹۸	-۰,۳۹۹
بازده دارایی ها	-۰,۹۶۴	۰,۸۳۱	-۱,۱۶	۰,۲۴۶	-۲,۵۹۴
جریان وجه نقد عملیاتی	-۰,۰۴۹	۰,۷۷۰	-۰,۰۶	۰,۹۴۹	-۱,۵۵۹
انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت	۰,۰۳۹	۰,۲۴۳	۰,۱۶	۰,۸۷۲	-۰,۴۳۷
رشد فروش	۰,۱۷۶	۰,۲۰۲	۰,۸۷	۰,۳۸۳	-۰,۲۲۰
اندازه شرکت	-۰,۵۸۷	۰,۱۲۲	-۴,۷۹	۰,۰۰۰	-۰,۸۲۷
ریسک (اهرم مالی)	-۰,۶۱۸	۰,۴۰۷	-۱,۵۲	۰,۱۲۹	-۱,۴۱۶
عمر شرکت	-۰,۰۱۱	۰,۰۱۴	-۰,۷۹	۰,۴۲۹	-۰,۰۳۹
عرض از مبدا	۱۳,۲۰۲	۱,۷۶۹	۷,۴۶	۰,۰۰۰	۹,۷۳۳
سایر آماره های اطلاعاتی					
ضریب تعیین			۲۸ درصد		
ضریب تعیین تعدیل شده			۲۹ درصد		
آماره والد و سطح معناداری آن			۳۲,۷۳ (۰,۰۰۰)		

طبق نتایج جدول ۷، مشاهده می‌شود که متغیر توانایی مدیریت دارای ضریب منفی و سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معکوس و معنادار وجود دارد و فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. متغیرهای کنترلی بازده دارایی ها و جریان وجه نقد عملیاتی و انحراف استاندارد بازده سالانه شرکت و رشد فروش و ریسک (اهرم مالی) و عمر شرکت دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد می‌باشد لذا با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط ندارند. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد لذا با متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) ارتباط دارند. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۲۹ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۳۲,۷۳ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نگهداشت مازاد وجه نقد توسط شرکت‌ها، می‌تواند منجر به شکل گیری تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران شود و این امر ممکن است باعث افزایش اختیارات مدیریت گردیده و باعث آسیب رساندن به منافع سهامداران شود. با توجه به نظریه تضاد منافع بین مدیران و مالکان ممکن است برخی مدیران وادار شوند جریان‌های نقدی اضافی را هدر دهند که در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی سرمایه گذاری کرده، تا در کوتاه مدت برخی از منافع شخصی خود را تأمین نمایند. در این مورد با توجه به اختیارات مدیریت، نظارت عملکرد مدیران، نیاز به قضاوت کارشناسانه حسابرسان مستقل دارد. برای استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرسان و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد. حسابرسان ریسک‌های کسب و کار مرتبط با دعوی حقوقی و مشکلات اعتباری در قیمت گذاری خدمات خود در نظر می‌گیرند و در ازای این ریسک حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهند. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد. نتایج این فرضیه با پژوهش دولتی (۱۳۹۵) مطابقت دارد. وی احتمال

تأثیرگذاری نگهداشت مازاد وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی و همچنین فرصت رشد و بیش (کم) سرمایه گذاری را بر این رابطه بررسی می‌کند. مشاهدات نشان داد بین نگهداشت مازاد وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری برقرار نیست. همچنین وجود فرصت رشد در شرکت‌های دارای مازاد وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی، تأثیر معناداری ندارد. در شرکت‌هایی که تمایل به بیش سرمایه گذاری دارند رابطه معناداری بین نگهداشت مازاد وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی، برقرار نیست، اما در شرکت‌های متمایل به کم سرمایه گذاری رابطه مثبت و معناداری بین نگهداشت مازاد وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی برقرار است، این رابطه چون بسیار ضعیف است، می‌توان آن را نادیده گرفت. اما با نتایج پژوهش واعظ و همکاران (۱۳۹۷) مغایرت دارد. آنها واکنش حسابرسان نسبت به میزان حق الزحمه حسابرسی با توجه به میزان نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها بررسی کرده اند. نتایج نشان می‌دهد که با ثابت نگه داشتن عوامل دیگر، بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد و منعکس کننده این موضوع است که حسابرسان به سطوح مختلف نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها که یکی از منابع هزینه‌های نمایندگی است واکنش نشان می‌دهند. همچنین نتایج بدست آمده از تحقیق نشان داد بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی تأثیر معکوس و معنادار وجود دارد. در راستای این فرضیه ثقفی و عالی فامیان (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تأثیر توانایی مدیران بر حق الزحمه حسابرسی، تأثیر درماندگی مالی بر اثر توانایی مدیران بر حق الزحمه حسابرسی انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که توانایی مدیران تأثیر منفی و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی می‌گذارد که با نتایج فرضیه پژوهش همخوانی دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد بین تجربه مدیریت و حق الزحمه حسابرسی تأثیر معکوس و معنادار وجود دارد. نونهال نهر و اکبرپور (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر تجربه حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج پژوهش نشان داد که تجربه حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و معنادار دارد. بنابراین با نتایج فرضیه پژوهش حاضر مطابقت دارد. بنابراین در بازار سرمایه ایران، تجربه حسابرس را نمی‌توان به عنوان محرکی برای کیفیت حسابرسی ذکر نمود که این موضوع به شرایط حاکم در بازار سرمایه ایران برمی‌گردد و چنین به نظر می‌رسد در محیط شرکت‌های ایرانی از جانب سهامداران، سرمایه گذاران، مدیران و سایر ذینفعان شرکتها روی تجربه حسابرس مانوری صورت نمی‌گیرد تا کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد. به عبارتی، دلیل این امر نشان دهنده عدم عکس العمل بازار و سرمایه گذاران نسبت به تجربه حسابرس می‌باشد و این موضوع نشان دهنده عدم شناخت کافی سرمایه گذاران و فعالین بازار سرمایه ایران از این مفهوم می‌باشد. با توجه به اینکه ریسک حسابرسی به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی می‌باشد پیشنهاد می‌شود اثرگذاری نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی حسابرسان این نکته را در تصمیم گیری های خود برای حسابرسی واحدهای تجاری مدنظر قرار دهند. حسابرسان مستقل می‌توانند از معیار سنجش توانایی مدیریت، به منظور بررسی صاحبکاران خود و اتخاذ تصمیمات قیمت گذاری استفاده کنند. همچنین براساس مبانی نظری پژوهش به تدوین کنندگان مقررات حاکم در بورس اوراق بهادار و همچنین سرمایه گذاران و حسابرسان پیشنهاد می‌شود امتیاز توانایی مدیریت به منظور شناسایی شرکت‌های پذیرفته شده با ریسک حسابرسی بالاتر استفاده کنند. همچنین به سرمایه گذاران پیشنهاد می‌شود که عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد نمایندگی مربوط به جریان وجوه نقد داخلی شرکت را در نظر بگیرند؛ زیرا امکان دارد حسابرسان به دلیل وابستگی اقتصادی به صاحبکار، برای انجام حسابرسی با کیفیت بالا تلاش‌های اصلی را انجام ندهند و شرکت‌ها به دلیل هزینه بسیار زیاد تأمین منابع مالی خارجی، به منابع داخلی اتکا کنند.

منابع

- ✓ پارسا، مریم، صدرآرا، مهرداد، خردیار، سینا، (۱۳۹۵)، تاثیر مدیریت محدودیت های مالی و هزینه نمایندگی بر به حداقل رساندن ناکارایی سرمایه گذاری، پایان نامه، غیردولتی-مؤسسه های آموزش عالی غیردولتی، غیرانتفاعی، موسسه آموزش عالی کوشیار، دانشکده حسابداری و مدیریت، کارشناسی ارشد.
- ✓ تهرانی، رضا، حصارزاده، رضا، (۱۳۸۸)، تاثیر جریان های نقدی و محدودیت های تامین مالی بر بیش سرمایه گذاری و کم سرمایه گذاری، تحقیقات حسابداری، شماره سوم، صص ۵۰-۶۶.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، غلام زاده دلدار، مسعود، (۱۳۹۱)، ارزیابی جامع کیفیت حسابرسی در ایران، فرصت های تحقیقاتی، دهمین همایش ملی حسابداری ایران دانشگاه الزهرا.
- ✓ رجبی، روح الله، محمدی خوشئی، حمزه، (۱۳۸۷)، هزینه نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص ۳۵-۵۲.
- ✓ ستایش، سونا، عبدلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر بین محدودیت مالی و جریان نقد آزاد بر کارایی سرمایه گذاری در شرکت های بورس اوراق بهادار، هفتمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و چهارمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- ✓ علوی طبری، حسین، (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبردی و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، صص ۷۵-۱۰۱.
- ✓ علوی طبری، سید حسین، هاشمیان، سیده معصومه، (۱۳۹۰)، تاثیر کیفیت حسابرسی بر تصمیمات تامین مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش حسابداری، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱-۱۷.
- ✓ فتحی، سعید، عرب صالحی، مهدی، مقدس، فرنوش، شهرکی، کاوه، عجم، علیرضا، (۱۳۹۵)، تحلیل تأثیر محدودیت های مالی بر کارایی سبد سرمایه گذاری شرکت های سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های بازرگانی، دوره ۱۴، شماره ۷۷، صص ۶۸-۷۸.
- ✓ فروزان، اسلام، همدم، هادی، (۱۳۹۵)، تاثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر محدودیت مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه، غیر دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی - دانشکده مدیریت و حسابداری، کارشناسی ارشد.
- ✓ کردستانی، غلامرضا، تاتلی، رشید، کوثری فر، حمید، (۱۳۹۳)، ارزیابی توان پیش بینی مدل تعدیل شده آلتمن از مراحل درماندگی مالی نیوتن و ورشکستگی شرکت ها، دانش سرمایه گذاری، دوره ۳، شماره ۹، صص ۸۳-۱۰۰.
- ✓ میرزائیان دهکردی، اکرم، (۱۳۹۰)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر تصمیمات تأمین مالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
- ✓ نیکبخت، محمدرضا، تنانی، حسن، (۱۳۸۹)، آزمون عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی صورتهای مالی، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- ✓ نیکبخت، محمد رضا، شعبان زاده، مهدی، کنارکار، امین، (۱۳۹۵)، رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۹۰-۲۰۸.
- ✓ هادیان، ریحانه، هاشمی، سید عباس، صمدی، سعید، (۱۳۹۶)، ارزیابی تأثیر سرمایه گذاری در عملکرد آینده با در نظر گرفتن سطح محدودیت مالی شرکت، مدیریت دارایی تامین مالی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- ✓ Barclay, M. and Smith, C. Jr (1995), "The authority structure of corporate debt", The Maturity Structure of Corporate Debt, Vol. 50 No. 2, pp. 609-631

- ✓ Chan, H.W.H., Lu, Y. and Zhang, H.F. (2013), "The effect of financial constraints, investment policy, product market competition and corporate governance", *Accounting and Finance*, Vol. 53 No. 2, pp. 339-366.
- ✓ Chen Jiang F., Liu, Z., Zhang, M (2017) examines the effect of refinancing the presentation of financial statements on cash holding policies in American companies, *Journal of Management Accounting*, 5(12) 78-67.
- ✓ Chung, T., Sheng, T. and Yuan, Z. (2008), "Auditing pricing decision: the role of institutional investor", *The Business Review*, Cambridge, Vol. 10 No. 1, pp. 75-81.
- ✓ DIANDIAN MA, Grafton Road (2016) Audit quality and financial crisis, based on evidence from China, *Audit quality and financial distress: Evidence from China*, WSEAS TRANSACTIONS on BUSINESS and ECONOMICS
- ✓ Ekpara R., Johnson C., Kiernan J. and Leymann F. (2011). "Taming Compliance with Sarbanes-Oxley Internal Controls Using Database Technology". 22nd International Conference on Data Engineering. Atlanta, 03-08 April
- ✓ Faraji, O., Ezadpour, M., Joudaki Chegeni, Z. (2018). CEO Overconfidence and Corporate Cash Holdings: Emphasizing the Moderating Role of Audit Quality. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25(2), 199-214.
- ✓ Ferguson, A. and S. Taylor,(2007), "Free cash flow, debt monitoring and audit fees: A reexamination", Working paper(University of New South Wales, Sydney, NSW).
- ✓ Gady Jacoby , Yingqi Li , Tianze Li , Steven Xiaofan Zheng , Inter- nal Control Weakness, Investment and Firm Valuation, *Finance Research Letters* (2017), doi: 10.1016/j.frl.2017.10.018
- ✓ Garcia-Teruel, P.J., Martinez-Solano, P. and Sanchez-Ballesta, J.P. (2009), "Accruals quality and corporate cash holdings", *Journal of Accounting and Finance*, Vol. 49 No. 1, pp. 95- 15.
- ✓ Gist, W. (1992), "Explaining variability in external audit fees", *Accounting & Business Research*, Vol. 23 No. 89, pp. 74-79.
- ✓ Griffin, P, D. Lont, and Y. Sun, (2009) , Agency Problems and Audit Fees: Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis, working paper series, Available in www.ssrn.com.
- ✓ Griffin, P.A., Lont, D.H. and Sun, Y. (2010), "Agency problems and audit fees: further tests of the free cash flow hypothesis", *Accounting and Finance*, Vol. 50 No. 2, pp. 321-350.
- ✓ Drogalas. George, Arampatzis. Konstantinos, Anagnostopoulou. Evgenia (2011) the relationship between corporate governance and internal audit, Volume 14, Issue 1, Fall, Continued - 4
- ✓ Hou, L.C.J., Liu, C.S., & Schaefer, T. (2012). Audit tenure and earnings surprise management. *Review of Accounting and Finance*, 9(2), 116138-.
- ✓ Kaplan, O., Zhinglass, C., (1997), The Role of Cash Holdings in Reducing Investment-Cash Flow Sensitivity: Evidence from a Financial Crisis Period in an Emerging Market. *Emerging Markets Review*. 7, PP. 320-338
- ✓ Kilgore, A., & R.Radich & G.Harrison. (2011). "The Relative Importance of Audit Quality Attributes". *Australian Accounting Review*, Vol. 21, Issue 3, pp. 253-265.
- ✓ Meshari. Al-Harshani.(2008). "The Pricing of audit services:evidence from Kuwait". *Managerial Auditing Journ Al .vol23 . no7 . pp 685-696*
- ✓ Mitra.-H., J.-B. Kim, X. Liu, and D. A. Simunic .(2017). Audit pricing, legal liability regimes, and Big 4 premiums: Theory and cross-country evidence. *Contemporary Accounting Research* 25 (1): 55-99.
- ✓ Mohammad Mohammadi, Behzad Kardan, Mahdi Salehi, (2018) "The relationship between cash holdings, investment opportunities and financial constraint with audit fees", *Asian Journal of Accounting Research*.
- ✓ Ozkan, A. and Ozkan, N. (2004), "Corporate cash holdings: an empirical investigation of UK companies", *Journal of Banking and Finance*, Vol. 28 No. 8, pp. 2103-2134.

- ✓ Sarbanes–Oxley Act of (2002) on the Adoption by the United States Financial Reporting System of a Principles-Based Accounting System
- ✓ Shahzad, Khurram, Pouw, Thierry, Rubbaniy, Ghulame, El-Temtamy, Osama, (2017) Audit Quality During the Global Financial Crisis: The Investors’ Perspective. Research in International Business and Finance <http://dx.doi.org/10.1016/j.ribaf.2017.07.137>
- ✓ Tsui, J.S.L., Jaggi, B. and Gul, F. (2001), “CEO domination, growth opportunities, and their impact of audit fees”, Journal of Accounting Auditing and Finance Valuation, Vol. 12 No. 3, pp. 475-508.
- ✓ Wysochi, P. (2010), “Corporate compensation policies and audit fees”, Journal of Accounting and Economics, Vol. 49 Nos 1-2, pp. 155-160.